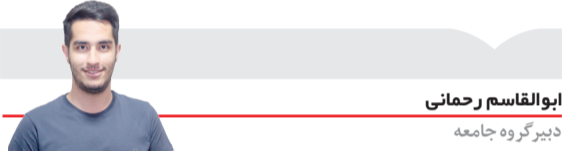


آموزش و پرورش بالاخره وزیر دار شد، اولویت‌های اصلی او چیست؟

ابرچالش‌های نوری



ابوالقاسم رحمانی

دبیر گروه جامعه

بالاخره بعد از ۹۵ روز، کابینه سیدابراهیم رئیسی کامل شد و وزارت

آموزش و پرورش هم وزیردار شد. یوسف نوری روز گذشته و در جریان جلسه

رای اعتماد مجلس شورای اسلامی، با ۱۹۴ رای موافق، ۵۷ رای مخالف و ۱۷

رای ممتنع وزیر آموزش و پرورش ایران شد و حالا کار خود را در این وزارتخانه

حساسیت نسبت به عدالت آموزشی در برنامه‌های وزیر جدید

قبل از خواندن نظر کارشناسان، بد نیست چند کلمه‌ای از جلسه‌روز گذشته مجلس و رای اعتماد به وزیر جدید بنویسیم و بخشی از نظرات و برنامه‌های وزیر جدید را هم مرور کنیم. یوسف نوری دیروز و در جلسه رای اعتماد، در ارتباط با برنامه‌های خود برای نظام آموزش و پرورش کشور، در مجلس گفت: «هم‌اکنون ۶۰درصد دانش‌آموزان در شاد فعال هستند و شماری از تحصیل بازمانده‌اند. بازماندگان از تحصیل که تعداد آنها در دوره کرونا افزایش یافته باید سریع‌تر به فرآیند تربیت بازگردند. همچنین فضای مجازی به‌عنوان بازوی کمکی مدرسه برای توسعه عدالت تربیتی استفاده خواهد شد. سامانه آمار و اطلاعات وزارت آموزش و پرورش استقرار می‌یابد تا نقشه‌ای از مناطق مختلف و تفاوت‌های پیش‌رو باشد؛ نظارت بر عملکرد مدارس غیردولتی، ایجاد حساب واحد و کنترل بر دریافت شهریه‌ها و هزینه کرد آن. تمام مبادی تعارض منافع از جمله در چاپ و نشر کتب درسی بسته خواهد شد و منافع حاصله به آموزش و پرورش بازمی‌گردد. مدیران ارشد و میانی وزارتخانه حق ندارند خود یا وابستگان نزدیک آنها مدرسه غیردولتی داشته باشند. مردمی‌سازی آموزش و پرورش بهترین راهبردی برای تحول است. خیریه‌ها و موقوفات ظرفیت بالایی برای تحول نظام آموزشی دارند اما به کار گرفته نمی‌شوند. همچنین مشارکت مردم صرفاً محدود به تأمین مالی از سوی خیران نیست و فعال‌سازی تشکل‌ها و دغدغه‌مندان تعلیم و تربیت را شامل می‌شود.» ریاست سازمان آموزش و پرورش استان ایلام، معاون پشتیبانی و توسعه مدیریت آموزش و پرورش تهران، مدیرکل برنامه‌بودجه وزارت آموزش و پرورش و ریاست مرکز آمار و فناوری اطلاعات و ارتباطات وزارت آموزش و پرورش آخرین مسئولیت‌های نوری از سال ۱۳۸۴ تا دیروز و وزارت آموزش و پرورش بوده است.

اولویت‌ها تغییری نکرده، فقط بیشتر شده

کند و اگر اتفاق نیفتد، قطعاً وزیر باید یک سال را با رویکرد گذشته سپری کند و به نوعی برای اجرای برنامه‌ها دست‌بسته و محدود است. اولویت دیگر بحث کمبود معلم است. نسبت دانش آموز به معلم ما یک عدد غیرقابل قبول است یعنی می‌توان گفت در دوره ابتدایی ۱/۵ برابر استاندارد است که شورای عالی آموزش و پرورش مصوب کرده و حدود ۲۰۰ هزار کمبود معلم مساله‌ای است که به‌سرعت نیاز به تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی دارد، بنابراین وزیر باید برای سال تحصیلی آینده که امیدوار هستیم آموزش‌ها به‌صورت ۱۰۰ درصد حضوری شود به فکر تأمین نیروی انسانی و معلم شایسته باشد. اولویت چهارمی که وجود دارد این است که الان ما بحث ترک تحصیل را داریم یا افرادی که به‌دلیل تنگناهای مالی و... محرومیت تحصیلی دارند، و اعداد این جمعیت دانش‌آموزی وحشتناک است و به‌نظرم وزیر آموزش و پرورش باید هم در ارائه آمار دقیق و شفاف و مبتنی بر واقعیت‌ها رصد کند و هم اگر احیاناً چنین وضعیت تلخ و اسفناکی وجود دارد با بسیج کردن همه دستگاه‌های دولتی و حتی نهادهایی که در بحث کمک به مردم کارهایی انجام می‌دهند، برای این جمعیت بازمانده از تحصیل اقدام فوری کند، چون این آسیب سنگینی برای این دانش‌آموزان، خانواده آنها و در بلندمدت برای جامعه خواهد داشت.» یکی از راحتی‌های کار ما و البته تاسف‌برانگیزترین مسائل در نظام آموزشی کشور این است که معمولاً مصائب و اولویت‌های قبلی همیشه بابرجاست و فقط مدام به آنها اضافه می‌شود. مثلاً همین اولویت‌ها، جز آن بخش حضوری شدن مدارس که به‌خاطر کرونا در دامن آموزش و پرورش افتاده، سال‌های سال است که تکان نخورده و با این وضعیت احتمالاً فقط بیشتر و بیشتر می‌شود.

همان‌طور که گفتیم، غرض از نوشتن این گزارش ارائه برنامه و تبیین اولویت‌های وزیر جدید آموزش و پرورش است. قبل‌تر و در همین صفحه هم یکی دو شماره‌ای با همین مضمون داشتیم و حالا و قبل از مرور نظرات جدید، بد نیست یک بازخوانی کوتاه از نظرات گذشته داشته باشیم. حجت‌الله بنیادی، مدرس دانشگاه فرهنگیان و از فعالان حوزه آموزش و پرورش در تشریح اولویت‌های وزیر جدید به «فرهیختگان» گفته بود: «به‌نظرم اولین چیزی که وزیر جدید باید به فکر آن باشد این است که مدارس را به یک شکل منطقی و هوشمندانه به‌سمت حضوری شدن نزدیک کند. این یک گام مهمی است که اگر برداشته نشود کیفیت آموزش و پرورش به‌شدت افت می‌کند و در چند سال آینده لطمات این را خواهیم دید. نزدیک کردن مدارس به شکل حضوری به‌صورتی که سلامت دانش‌آموزان و جامعه به مخاطره نیفتد و خانواده‌ها با یک روند درستی بتوانند بچه‌های خود را به مدرسه بفرستند یعنی اینکه هم آرامش و توانمندی لازم به خانواده داده شود و هم برای معلمان و هم برای مدیران این امر ایجاد شود و بتواند آموزش حضوری شکل گیرد. اولویت دیگری که مهم است و زمان خیلی برای ما محدود است، بحث بودجه است. بودجه آموزش و پرورش به‌عنوان سند مالی که وضعیت یک سال آینده را مقرر می‌کند درحال نهایی شدن است. این که در لایحه دولت چه سهمی برای آموزش و پرورش ببینند و ساختار بودجه به چه شکلی تدارک دیده می‌شود، بسیار مهم است و وزیری که مستقر می‌شود به‌سرعت باید ورود یابد و با داشتن تیم‌های قوی و منسجم در این امر باید وضعیت بودجه و کارهایی که تاکنون شده، بررسی کند و بتواند به‌سرعت آن تغییرات مورد نظر را مطابق با برنامه‌ها و سند تحول و آن چیزی که مجلس ارائه می‌کند در بودجه لحاظ

بازگشت ۵ میلیون دانش‌آموز ترک تحصیل کرده

به‌پرسه آموزش، مهم‌ترین اولویت وزیر جدید

سیدمجید حسینی، استاد دانشگاه و کارشناس فعال حوزه آموزش در تبیین اولویت‌های وزیر جدید آموزش و پرورش به «فرهیختگان» گفت: «آموزش و پرورش به‌نظر من در این لحظه یک اولویت بیشتر ندارد که ۵ میلیون دانش‌آموزی که تحصیل نمی‌کنند باید به تحصیل برسند. هیچ چیزی واجب‌تر از این نیست، چون با این تعداد که در شاد نیستند آینده ایران نابود می‌شود. بین ۴-۵ میلیون کارگر فصلی دارید که هیچ آموزشی حتی در سطح الفبای فارسی ندیده‌اند. نه می‌توانند حساب و کتاب کنند و نه می‌توانند بازاری شوند، نه می‌توانند تحصیل کنند و نه می‌توانند کار داشته باشند، آموزش و پرورش جز اینکه ۴-۵ میلیون نفر را به چرخه تحصیلی بازگرداند، به‌نظر من، اولویت دیگری ندارد. بقیه اولویت اعم از تعارض منافع، مساله خصوصی‌سازی، آزادسازی، یارانه‌زدایی از فعالیت‌های فرهنگی و... رده‌های بعدی است. اولویت اول در شرایط کنونی این است که آموزش برابر و باکیفیت به همه برسد. دولت آقای روحانی سبب شده از پایینی‌ها خلع‌ید مطلق در حوزه آموزش شود و در حوزه آموزش دسترسی به بدترین وضعیت در سال‌های اخیر رسیده است. باید این مساله در اولویت باشد و براساس این امر، بقیه مواردی که وزیر در مجلس عنوان کرده، حل شود. این امر به اقتصاد آموزش ربط دارد یعنی خصوصی‌سازی عامل اصلی محروم کردن این تعداد بچه از تحصیل است. آموزش و پرورش امسال بودجه کمی ندارد ولی بودجه کم جوری توزیع شده و به نحوی مدیریت شده که به ۵ میلیون نفر از این بچه‌ها نمی‌رسد. همچنین مدارس خصوصی طبقه برنده می‌سازند که اصولاً هم کنکور و هم آینده و هم تحصیل و هم مجلس و... را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و ما در این سیاست در این بخش تأکید می‌کنیم. برای اینکه از این سیاست‌ها خارج شویم، باید تلاش کنیم این تعداد بچه به چرخه تحصیل بازگردند. برای تغییر وضع موجود حتماً مهم است که وزیر چه کسی باشد. به اعتقاد من وزیری که همانند ایشان از مجلس رای خوب گرفته، قدرت زیادی برای تغییر دارد و باید به او این امکان را داد تا تغییر در تنظیمات آموزشی ایجاد کند و امیدوارم آقای نوری این کار را انجام دهد.»

اولویت اول سامان بخشیدن به اقتصاد آموزش برای رسیدن به عدالت آموزشی است

داریم. به رشته‌های مختلف هم می‌شود توجه کرد و هم توجه می‌شود. اگر بخواهیم رویکرد عدالت‌محور داشته باشیم باید بحث اقتصاد آموزش و منابع مالی نیز تأمین باشد. الان هم باید منابع تأمین باشد و هم رویکرد توزیع آن عادلانه باشد. الان نه منابعی هست و اتفاقی هم نخواهد افتاد یعنی امیدوار نیستم و هم این که منابع موجود در توزیع عادلانه اتفاق نمی‌افتد. آقای وزیر باید این دو رویکرد را داشته باشد. یکی از مشکلاتی که در اقتصاد آموزش وجود دارد این است که باید منابع پایدار برای آموزش و پرورش و سیاست‌تأمین مالی پایدار برای آموزش و پرورش دیده شود. هزارگانهی در قانون برنامه پنجم و ششم گفته‌اند صندوق ذخیره ارزی پای کار بیاید که خوب این هم منبع پایداری نیست. ممکن است یک زمانی باشد و یک زمانی نباشد، کمالاتکه الان اختصاص نیافته است. بعد از اینکه منابع تأمین شد، بحث توزیع باید موردتوجه قرار گیرد. اگر بخواهم به‌صورت موردی بیان کنم، توقف خصوصی‌سازی، کاهش تنوع مدارس، بحث آموزش و فناوری، بهبود آموزش و... مسائلی است که باید به نگاه ویژه برسد. بحث آموزش و فناوری همانند کامپیوتر، روباتیک و هوش مصنوعی مواردی از آن است و خیلی از کشورها این را دنبال می‌کنند. خیلی از کشورها در منابع درسی و حتی در مقاطع ابتدایی بحث علوم کامپیوتر و فناوری اطلاعات را وارد کردند. یکی از موارد دیگری که می‌توان بدان اشاره کرد، بحث آموزش‌های حرفه‌ای است که هم در برنامه پنجم و هم برنامه ششم اشاره شده و با توجه به شرایط اقتصادی کشور این موضوع ضروری است. اگر قرار است به توسعه اقتصادی برسیم، اگر قرار است اثر کنکور و دانشگاه‌محوری را کاهش دهیم، این مساله را باید لحاظ کرد. یک‌سری مشکلات دیگر نیز وجود دارد که همواره اولویت این بحث تعارض منافع را لحاظ کرد یعنی اولویت در گذشته اتفاق افتاد، بحث انتصابات مدیران مناطق بود که خیلی موثر است. با همه محدودیت‌هایی که وجود دارد آن تیم و گروه و حلقه‌ای که مدیریت یک آموزش و پرورش استان یا منطقه یا شهرستان یا شهر را به دست می‌گیرد به مدارس تسری می‌یابد و در این زمینه موثر است. بده بستان‌های سیاسی موجود در این حوزه انتظار می‌رود که از این به بعد نباشد.»

آموزش و پرورش باید از حالت بنگاهداری خارج شود

یک رویکردی در ذهن دارم و در ذهن آقایان چیز دیگری است. نمی‌دانم قرار است اولویت را چه چیزی قرار دهند. هیچ‌گاه نمی‌گویم طرح تحول اولویت داده شود، چون ایراد بزرگی نمی‌دانم. به‌نظر من اولویت در همه این مسائل، بهبود وضعیت مالی و آموزش است. وقتی می‌گویم اقتصاد آموزش منظور این نیست که آموزش و پرورش بنگاهداری کند. آموزش و پرورش باید از بنگاهداری خارج شود و باید مدرسه‌داری کند. الان آموزش و پرورش مدرسه و آموزش را به بخش خصوصی واگذار کرده و پتروشیمی و بیمه را در حوزه خود وارد کرده است. این که آموزش و پرورش بنگاهداری کند و از این طریق درآمد کسب کند، درست نیست. اگر صندوقی است که مربوط به ذخیره فرهنگیان است، به‌طور مستقل موضوعی است که باید به آن پرداخته شود. در این زمینه سردرگمی وجود دارد و می‌خواهند تغییر اساسی دهند. قبل از این مشکل داشت و حالا بحث مدیریت و فساد مطرح است و دوباره تغییر اساسنامه مطرح است و مسیر مشخص نیست، بحث صندوق ذخیره باید تعیین تکلیف شود ولی به‌طورکلی اولویت موجود به‌نظر من به دست آوردن منابع مالی است. رویکرد قطعاً ضعیف است اما باز هم اولویت را باید روی این بحث‌ها قرار دهند و هم شفافیت مطرح شود. بحث صندوق

برکم در ادامه به سخنان وزیر جدید در ارتباط با تعارض منافع اشاره کرد و گفت: «درمورد تعارض منافع امر بدیهی این است که جلوی آن را بگیریم و باید رقم بخورد. مشکلی که درباره بخشنامه‌ای که در این رابطه وجود دارد این است که راه‌رو زیاد دارد، یعنی قابل دور زدن است، کامل نیست، بخشی از موارد را پوشش نداده است. حتی به‌نظر من نه‌تنها موضوع بخشنامه و تعارض منافع اهمیت دارد، بازنگری در بخشنامه ممنوعیت و تعارض منافع و مصادیق آن و کامل‌تر شدن آن اولویت بیشتری هم دارد. افرادی که شامل این امر می‌شوند باید کامل‌تر شوند. به‌نظرم این بخشنامه در مصادیق و در افرادی که برای تخصیص مدرسه شامل شدند، ناقص است و باید کامل‌تر شود. حتی برای معلم هم باید مشخص شود تعارض منافع چه معنایی دارد. حتی معلم اجازه‌دارد منابع آموزشی غیر از کتاب درسی معرفی کند یا خیر؟ یعنی در این حد باید کامل شود. این که چند معاون و مدرسه را مشخص کنیم، ناقص است. خیلی از معلمان بازنشسته و شاغل مدرسه غیردولتی دارند و هم‌زمان در مدرسه دولتی و غیردولتی تدریس می‌کنند که در بخشنامه باید این موارد کامل‌تر شود. این که چه مساله‌ای را باید اولویت داد، الان نگاه من با نگاه آنها متفاوت است، یعنی وقتی من از تحول صحبت می‌کنم